

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۸

تاریخ بررسی: ۹۰/۹/۲۵

دوره ۸، شماره ۱

تابستان ۱۳۹۱

صص ۱۰۷-۱۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۲۰

مقایسه تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان مناطق محروم با غیرمحروم

مجید صفاری نیا* و مهتاب بازاری میند**

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی کودکان در دو بافت منطقه‌ای متفاوت کشور و با توجه به نقش جنسیت بود. در این پژوهش ۱۶۰ دانش‌آموز منطقه محروم و ۳۲۰ دانش‌آموز منطقه غیرمحروم با استفاده از پرسشنامه تاب‌آوری هیجانی-اجتماعی مرل و روش آماری تحلیل واریانس یکراهه به همراه آزمون تعقیبی شفه مطالعه شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد دانش‌آموزان مناطق غیرمحروم نسبت به دانش‌آموزان مناطق محروم در زیرمقیاس‌های تاب‌آوری هیجانی-اجتماعی نمره بالاتری به دست آوردند و این برتری در دختران بیشتر مشهود بود. در نتیجه محرومیت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند بر کاهش تاب‌آوری (بالاخص در پسران) تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

کلید واژه‌ها

تاب‌آوری هیجانی-اجتماعی، مناطق غیرمحروم، مناطق محروم

* استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور تهران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای روانشناسی Email: meimandmahtab@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

در طی دو دهه گذشته توجه روزافزونی به مفهوم تاب‌آوری شده است. تاب‌آوری را فرآیند مقابله و سازگاری مؤفقیّت‌آمیز با شرایط چالش برانگیز و تهدیدکننده زندگی (والر^۱، ۲۰۰۱) یا نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی (ماستن^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از سامانی و همکاران، ۱۳۸۶) می‌دانند. البته، تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و در مواجهه با شرایط خطرناک حالتی انفعالی ندارد، بلکه شرکت فعال و سازنده فرد در محیط پیرامونی خود است و شامل توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی هنگام مواجهه با شرایط خطرناک است (کانر و دیویدسون^۳، ۲۰۰۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خصوصیات فردی، خانوادگی، اجتماعی می‌تواند در تاب‌آوری کودکان تأثیر به‌سزایی داشته باشد که به این خصوصیات، عوامل محافظتی گویند. عوامل فردی محافظتی شامل مهارت‌های حل مسأله، آینده جویی، خودگردانی، اعتماد به نفس و شایستگی و توانمندی اجتماعی فرد است و عوامل محیطی محافظتی نیز شامل فرزندپروری مقتدرانه، پیوندهای مهربانانه، ویژگی‌های مثبت والدین و خانواده، ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت (درون خانوادگی)، ارتباط با بزرگسال حمایت‌گر و شایسته در خارج از خانواده، ارتباط مثبت با همسالان، مدارس مؤثر، پیوند با سازمان‌های اجتماعی از قبیل مدارس، گروه‌ها، اردوها، کانون‌ها و ... داشتن همسایه‌هایی با روحیه بالا، سطوح بالای امنیت اجتماعی، بهره‌مندی از خدمات اورژانس اجتماعی خوب مانند خط تلفن بحران و دستیابی به مراقبت‌های بهداشتی و عمومی (برون خانوادگی) است. در کنار عوامل محافظتی مزبور نقش جنسیت نیز ملاحظه‌پذیر است (مدی و خوشابا^۴، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش‌های جدید اکسنچر نشان داد که زنان تاب‌آوری بیشتری نسبت به مردان دارند (لوان نیدیس^۵، ۲۰۱۰).

1. Waller
2. Masten
3. Conner & Davidson,
4. Maddi&Khoshaba
5. Loannidis

در زمینه تبیین تاب‌آوری تئوری و نظریات متعددی وجود دارد. «تئوری توانمندی محور»^۱ یکی از این تئوری‌هاست که هم‌معنی و مشابه روان‌شناسی انسان‌گرا یا تحول مثبت فرد است (بیور^۲، ۲۰۰۸) و بر رشد توانمندی‌ها، استعدادهای طبیعی، صلاحیت و شایستگی فرد برای ایجاد یک سازگاری مؤفقیت‌آمیز و مثبت در تعامل با دنیای بیرونی تأکید دارد. منظور از واژه مثبت، رفع و اصلاح نقص و کمبودها و برنامه‌ریزی برای افزایش توانمندی فرد است. در این رویکرد به برنامه و تکالیف رشد و تحول طبیعی و عوامل محافظت‌کننده تأکید شده است (ماستن و پاول، ۲۰۰۳) که از سه روش (۱) کاهش آسیب‌ها و مشکلات فرد (رویکرد مبتنی بر ریسک)؛ (۲) بهبود یا افزایش توانایی و موارد مثبت و مفید در زندگی (روش‌های مبتنی بر موارد مفید و ارزشمند) و (۳) تغییر و افزایش توانایی‌های سازگاری از طریق بهبود و اصلاح ارتباط دلبستگی با والدین یا فراهم کردن تمهیدات لازم برای آموزش مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های تاب‌آوری استفاده می‌کنند (ماستن و پاول، ۲۰۰۳).

تئوری دیگر تئوری «سیستم بوم شناختی- اجتماعی»^۳ است. در این مدل، تاب‌آوری افراد را با توجه به بافت ارتباطی فرد مانند خانواده، دوستان، همسایه و جامعه بزرگ‌تر تعریف کرده و آن را فقط یک خصوصیت منحصر به فرد افراد نمی‌دانند، بلکه شامل خصوصیت مربوط به جامعه نیز است. تاب‌آوری یک کنش مربوط به شبکه ارتباطی تأثیرگذار است. این شبکه دنیای درونی افراد، خانواده، مدرسه، همسایه و سایر ابعاد جامعه را شامل می‌شود که حتی عواملی چون سیاست‌های ملی، جرایم اقتصادی بزرگ، تروریسم و ... نیز در آن نقش دارند (ماستن و پاول، ۲۰۰۳). مطابق با یافته‌های پژوهشی میچل آنکار^۴ (۲۰۰۸) تاب‌آوری یک مفهوم کلی است که از نظر بافتی و فرهنگی ابعاد خاص مربوط به خود دارد، به عبارتی الگوهای فرهنگی و بافتی جامعه بر ابعاد مختلف زندگی کودک (که در تاب‌آوری نقش دارد) تأثیر می‌گذارد؛ از طرفی ابعاد تاب‌آوری به معنی ادراک شده تاب‌آوری در آن بافت و فرهنگ خاص بستگی دارد، از این رو تفاوت تاب‌آوری افراد ناشی از تفاوت تجربه‌های آن‌ها در هفت زمینه مختلف

-
1. Strength-based Theory
 2. Beaver
 3. Social-Ecological System (SES)
 4. Michael Ungar

است که عبارت هستند از دسترسی به منابع مادی، ارتباط بین فردی، احساس هویت، تبعیت فرهنگی، عدالت اجتماعی، احساس کنترل و قدرت و همبستگی.

بر اساس دو تئوری مزبور می‌توان گفت در تاب‌آوری هم ویژگی‌های فردی مانند توانمندی‌های ارتباطی، مهارت‌های مقابله‌ای، توانایی حل مشکلات، همدلی، عزت نفس و سایر ویژگی‌های مثبت و هم ویژگی‌های محیطی-اجتماعی (درون خانوادگی و برون خانوادگی) تأثیرگذار است، از آنجایی که تاب‌آوری فرایند مقابله و سازگاری مؤفقیت آمیز در برابر شرایط چالش برانگیز و تهدید کننده زندگی است، به عبارتی نوعی سازگاری مثبت در برابر شرایط ناگوار است و ایجاد و تقویت آن در انسان‌ها بالاخص از زمان کودکی تأثیر به‌سزایی در سازگاری با شرایط مختلف زندگی و سلامت روان دارد و همچنین از طرفی یکی از عوامل مؤثر بر آن شرایط اجتماعی و رفاهی منطقه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند، لذا به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی مربوط به جامعه و بهره‌مندی از امکانات رفاهی و به عبارتی زندگی در مناطق دارای امکانات تأثیر به‌سزایی بر تقویت تاب‌آوری افراد دارد و محرومیت و فقر آثار سوئی بر تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی افراد می‌گذارد. به طور کلی محرومیت به معنای فقدان هر نوع فرصت و دسترسی نداشتن به منابع بوده و ابعاد چندگانه و متعددی دارد. یکی از ابعاد آشکار محرومیت، محرومیت اقتصادی^۱ (محرومیت از دسترسی به غذا، سرپناه، خدمات، آموزش و سلامت و همچنین محرومیت از گردش اطلاعات که نابرابری فرصت‌ها را تشدید می‌کند) (باری^۲، ۱۹۹۸ به نقل از شیانی، ۱۳۸۴) است. این بُعد در مناطقی هم که به لحاظ جغرافیایی محرومیت دارند به شدت تقویت می‌شود. یکی دیگر از ابعاد محرومیت، مربوط به محرومیت اجتماعی^۳ است. منظور از این مهم، محرومیت از سرمایه اجتماعی (محرومیت از روابط، شبکه‌ها و دیون اجتماعی) و همچنین تبعیض بر مبنای نظام‌های قواعد و هنجارها است. در حقیقت، این نوع تبعیض، درجه‌بندی میان افراد به حاشیه‌پرد شده و نزدیک به مرکز را نشان می‌دهد. به این ترتیب، محرومیت برحسب موقعیت متفاوت بوده و بر اساس آن میزان دسترسی به منابع نیز مشروط می‌شود (سایندزینگر، ۱۹۹۹). نظریه موقعیتی

1. Economic Deprivation

2. Barry

3. Social Deprivation

فقر^۱ یکی از نظریه‌های مربوط به پدیده فقر و محرومیت است. این نظریه تفاوت رفتارهای فقرا را به دلیل نداشتن منابع و فرصت‌های انطباق با شیوه‌های طبقه متوسط توضیح می‌دهد، برای مثال افراد محروم و فقیر فرصت‌های اندکی برای بهره‌مندی از امکانات دانشگاهی، آموزشی، تفریحی و ... دارند. نظریه موقعیتی با وجود این که به شرایط ساختاری فقر اهمیت می‌دهد، اما بر پاسخ‌های فردی به موقعیت عینی فقر نیز تمرکز دارد. بنابراین، محرومیت و تبعیض‌های موجود در جامعه بر آسیب‌پذیری افراد تأثیر به‌سزایی دارد (شیانی، ۱۳۸۴). حال با توجه به این که استان بوشهر جزء استان‌های محروم و استان تهران جزء استان‌های بهره‌مند محسوب می‌شود (فرجی ملایی، ۱۳۸۹)، لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی کودکان در دو منطقه غیرمحروم و بهره‌مند از امکانات اجتماعی-اقتصادی (استان تهران) و منطقه محروم از لحاظ اقتصادی و اجتماعی (استان بوشهر) و به عبارتی در دو بافت به ظاهر متفاوت کشور و با توجه به نقش جنسیت انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مقایسه‌ای بود. در این پژوهش با توجه به جامعه آماری و با استفاده فرمول برآورد حجم نمونه، تعداد ۱۶۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی در شهرستان بوشهر (که با توجه به نسبت برابر جمعیت دختر و پسر در این مقطع ۸۰ نفر پسر و ۸۰ نفر دختر انتخاب شد) و ۳۲۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی شهرستان تهران (۱۶۰ دختر و ۱۶۰ پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای منظم انتخاب شدند، بدین صورت که بعد از مراجعه به سازمان آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران (که معرف جامعه است) ابتدا چند مدرسه و سپس چند کلاس به طور تصادفی انتخاب شده و در آخر گروه نمونه به طور تصادفی از بین کلاس‌ها انتخاب شدند. در این پژوهش همچنین متغیر سن، جنسیت، مقطع تحصیلی کنترل شده‌اند (متغیر کنترل). ابزار مورد استفاده در این پژوهش نیز پرسشنامه تاب‌آوری هیجانی-اجتماعی مرل (۲۰۰۸) به نقل از کوهن و همکاران، (۲۰۰۹) بود که یک ابزار خودگزارش‌دهی درباره توانایی‌های اجتماعی-عاطفی ادراک شده توسط نوجوان است. نوجوانان

در این پرسشنامه با به‌کارگیری مقیاس لیکرت (هرگز، گاهی اوقات، اغلب و همیشه) میزان احساس، فکر یا عملکرد خود را مشخص می‌کنند. این مقیاس، تاب‌آوری را از طریق ۵۳ گویه در چهار زیر مقیاس مسئولیت‌پذیری و اعتماد، صلاحیت اجتماعی و پذیرش اجتماعی، تنظیم هیجانات و همدلی مشخص می‌کند. ضریب آلفای برآورد شده برای هر مقیاس به ترتیب ۰/۸۵۹، ۰/۸۱۹، ۰/۸۲۱ و ۰/۷۳۹ بوده است که در پژوهش (حاجی‌زادگان، بیات، عسگری و همکاران (چاپ نشده) به دست آمده است روایی آن نیز با تحلیل عاملها و مقایسه آن با پرسشنامه اصلی با ضریب ۸ درصد گزارش شده است (صفاری نیا و همکاران، در دست چاپ).

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی زیر مقیاس‌های تاب‌آوری در دختران و پسران مناطق محروم و غیرمحروم در جدول ۱ ارائه شده است. همچنین میانگین سنی گروه پسران و دختران مناطق محروم به ترتیب برابر با ۱۲/۹ و ۱۳/۷ سال و میانگین سنی گروه پسران و دختران مناطق بهره‌مند (غیرمحروم) به ترتیب برابر با ۱۳/۲ و ۱۴ سال به دست آمد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی زیر مقیاس‌های تاب‌آوری در دختران و پسران مناطق محروم و

متغیرها		شاخص‌های آماری			غیرمحروم			تفاوت میانگین‌ها	
		تعداد دختران	تعداد پسران	نمرات کل	میانگین پسران	میانگین دختران	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	
همدلی	مناطق غیرمحروم	۱۶۰	۱۶۰	۳۲۰	۲/۹۲	۳/۰۶	۰/۵۶	۰/۳۱	
	مناطق محروم	۸۰	۸۰	۱۶۰	۱/۹۴	۲/۰۴	۰/۴۵	۰/۴۰	
	کل	۲۴۰	۲۴۰	۴۸۰	۲/۴۳	۲/۵۵	۰/۶۹	۰/۳۱	
صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان	مناطق غیرمحروم	۱۶۰	۱۶۰	۳۲۰	۲/۷۷	۲/۷۷	۰/۵۴	۰/۳۰	
	مناطق محروم	۸۰	۸۰	۱۶۰	۱/۸۱	۱/۸۱	۰/۴۶	۰/۳۶	
	کل	۲۴۰	۲۴۰	۴۸۰	۲/۲۹	۲/۲۹	۰/۶۹	۰/۳۱	
تنظیم هیجانات	مناطق غیرمحروم	۱۶۰	۱۶۰	۳۲۰	۲/۶۴	۲/۸۸	۰/۵۳	۰/۲۹	
	مناطق محروم	۸۰	۸۰	۱۶۰	۱/۹۱	۱/۹۵	۰/۴۷	۰/۳۷	
	کل	۲۴۰	۲۴۰	۴۸۰	۲/۲۸	۲/۴۲	۰/۶۶	۰/۳۰	
مسئولیت‌پذیری و اعتماد	مناطق غیرمحروم	۱۶۰	۱۶۰	۳۲۰	۳/۱۶	۳/۲۴	۰/۵۳	۰/۲۹	
	مناطق محروم	۸۰	۸۰	۱۶۰	۲/۲۳	۲/۲۸	۰/۴۷	۰/۳۷	
	کل	۲۴۰	۲۴۰	۴۸۰	۲/۷۰	۲/۷۶	۰/۶۸	۰/۳۰	

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در سه زیرمقیاس تاب‌آوری (همدلی، تنظیم هیجانات و مسئولیت‌پذیری و اعتماد) بالاترین میانگین مربوط به دختران (به ترتیب ۲/۵۵ و ۲/۴۲ و ۲/۷۶) مناطق بهره‌مند و غیرمحروم است و همچنین در تمام متغیرها نیز دختران و پسران مناطق غیرمحروم نمره بالاتری نسبت به دختران و پسران مناطق محروم به دست آوردند. در جداول ۲ و ۳ و ۴ و ۵ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص مقایسه کلی میان نوجوانان دو منطقه و مقایسه چهار زیرگروه از نوجوانان (پسران و دختران مناطق محروم با غیرمحروم) در ابعاد مختلف تاب‌آوری هیجانی اجتماعی نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه برای متغیرهای تاب‌آوری در نوجوانان مناطق غیرمحروم و محروم

متغیرها	منبع تغییرات	جمع مجذورات	میانگین مجذورات	DF	F	سطح معناداری
همدلی	بین گروهی	۹۶/۷	۹۶/۷	۱		
	درون گروهی	۱۳۱/۳	۰/۲۸	۴۷۸	۳۵۱/۸	
	کل	۲۲۷	-	۴۷۹		
صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان	بین گروهی	۹۹/۳	۹۹/۳	۱		
	درون گروهی	۱۲۷/۲	۰/۲۷	۴۷۷	۳۷۰/۳	
	کل	۲۲۷	-	۴۷۸		۰/۰۰۰۱
تنظیم هیجانات	بین گروهی	۸۲/۴	۸۲/۴	۱		
	درون گروهی	۱۲۵/۵	۰/۲۶	۴۷۸	۳۱۳/۸	
	کل	۲۰۷/۹	-	۴۷۹		
مسئولیت‌پذیری و اعتماد	بین گروهی	۹۵/۰۵	۹۵/۰۵	۱		
	درون گروهی	۱۲۳/۲	۰/۲۶	۴۷۷	۳۶۷/۹	
	کل	۲۱۸/۳	-	۴۷۸		

نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه (جدول ۲) نشان می‌دهد که میان نوجوانان (اعم از دختر و پسر) مناطق محروم و غیرمحروم تفاوت معناداری با احتمال $p < 0/001$ در چهار متغیر همدلی ($F: 351/8$)، صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان ($F: 370/3$)، تنظیم هیجانات

(F: ۳۱۳/۸) و مسئولیت‌پذیری و اعتماد (F: ۳۶۷/۹) وجود دارد.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه برای متغیرهای تاب‌آوری در انواع گروه‌های دختران و پسران مناطق غیرمحروم و محروم

متغیرها	منبع تغییرات	جمع مجذورات	میانگین مجذورات	DF	F	سطح معناداری
همدلی	بین گروهی	۹۷/۲	۳۲/۴	۳		
	درون گروهی	۱۳۰/۸	۰/۲۷۵	۴۷۶	۱۱۷/۹	
	کل	۲۲۸	-	۴۷۹		
صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان	بین گروهی	۹۹/۳	۳۳/۱	۳		
	درون گروهی	۱۲۷/۹	۰/۲۷	۴۷۶	۱۲۲/۹	
	کل	۲۲۷/۲	-	۴۷۹		۰/۰۰۰۱
تنظیم هیجانات	بین گروهی	۸۴/۲	۲۸	۳		
	درون گروهی	۱۲۳/۸	۰/۲۶	۴۷۶	۱۰۷/۹	
	کل	۲۰۷/۹	-	۴۷۹		
مسئولیت‌پذیری و اعتماد	بین گروهی	۹۵/۸	۳۲	۳		
	درون گروهی	۱۲۲/۴	۰/۲۶	۴۷۶	۱۲۳/۹	
	کل	۲۱۸/۳	-	۴۷۹		

نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه (جدول ۳) نشان می‌دهد که در کل میان دختران و پسران مناطق محروم و غیرمحروم در چهار متغیر همدلی (F: ۱۱۷/۹)، صلاحیت اجتماعی - پذیرش همسالان (F: ۱۲۲/۹)، تنظیم هیجانات (F: ۱۰۷/۹) و مسئولیت‌پذیری و اعتماد (F: ۱۲۳/۹) تفاوت معناداری ($p < ۰/۰۰۱$) وجود دارد.

بنابراین، با توجه به جدول ۲ و ۳ هم میان نوجوانان دو منطقه محروم و غیرمحروم و هم بین زیرگروه‌های آن‌ها (دختران و پسران دو منطقه) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴: آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه انواع گروه‌های دختران و پسران مناطق بهره‌مند و محروم در دو زیرمقیاس همدلی و صلاحیت اجتماعی / پذیرش همسالان

مقایسه‌ها	تفاوت میانگین‌های I-J سطح معناداری	گروه (I)	گروه (J)	متغیر
۱ > ۲ > ۴ > ۳	۰/۰۴	گروه (۱)	گروه (۲)	همدلی
	۰/۰۰۰	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۴	گروه (۱)	گروه (۲)	
	۰/۰۰۰	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	گروه (۱)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۶۹	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۱)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۶۹	گروه (۳)	گروه (۳)	
۱ و ۲ > ۳ و ۴	۱	گروه (۱)	گروه (۲)	صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان
	۰/۰۰۰	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۱	گروه (۱)	گروه (۲)	
	۰/۰۰۰	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	گروه (۱)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۱	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	گروه (۱)	گروه (۱)	
	۰/۰۰۰	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۱	گروه (۳)	گروه (۳)	

گروه ۱: دختران منطقه غیرمحروم

گروه ۲: پسران منطقه غیرمحروم

گروه ۳: دختران منطقه محروم

گروه ۴: پسران منطقه محروم

** = معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ * = معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۵

همان‌طور که اشاره شد هم بین دو گروه کلی (نوجوانان مناطق محروم و غیرمحروم) و هم بین چهار گروه (دختران و پسران مناطق محروم و غیرمحروم) در زیرمقیاس‌های تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که با توجه به آزمون تعقیبی شفه در جدول ۴ در

زیرمقیاس همدلی، دختران مناطق غیرمحروم و بهره‌مند (با میانگین ۳/۰۶) و در زیرمقیاس صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان دختران و پسران مناطق غیرمحروم و بهره‌مند (با میانگین ۲/۷۷) نمره بالاتری به دست آوردند، به عبارت دیگر نوجوانان مناطق غیرمحروم و بهره‌مند، نسبت به مناطق محروم، میزان همدلی و همچنین صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان بیشتری داشتند (البته، در زیرمقیاس صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان دختران مناطق محروم نمره بالاتری داشتند). به طور کلی نوجوانان مناطق بهره‌مند، نسبت به مناطق محروم، میزان همدلی و همچنین صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان بیشتری داشتند.

جدول ۵: آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه انواع گروه‌های زنان و مردان مناطق بهره‌مند و محروم در

دو زیرمقیاس تنظیم هیجانات و مسئولیت پذیری / اعتماد

مقایسه‌ها	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌های I-J	گروه (I)	گروه (J)	متغیر
۱ > ۲ > ۳ > ۴	۰/۰۵	-۰/۲۴	گروه (۱)	گروه (۲)	تنظیم هیجانات
	۰/۰۰۰	۰/۷۹ ^{oo}	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	۰/۸۲ ^o	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۵	۰/۲۴	گروه (۱)	گروه (۲)	
	۰/۰۰۰	۰/۹۳ ^{oo}	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	۰/۹۷ ^{oo}	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۰/۷۹ ^{oo}	گروه (۱)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	-۰/۹۳ ^{oo}	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۹۷	۰/۰۴	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۰/۸۲ ^{oo}	گروه (۱)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۰/۹۷ ^{oo}	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۹۷	-۰/۰۴	گروه (۳)	گروه (۳)	
۱ > ۲ > ۳ و ۴	۰/۴۶	۰/۰۹	گروه (۱)	گروه (۲)	مسئولیت‌پذیری و اعتماد
	۰/۰۰۰	۰/۹۶ ^{oo}	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	۱ ^o	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۴۶	-۰/۰۹	گروه (۱)	گروه (۲)	
	۰/۰۰۰	۰/۸۷ ^{oo}	گروه (۳)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	۰/۹۳ ^{oo}	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۰/۹۶ ^{oo}	گروه (۱)	گروه (۳)	
	۰/۰۰۰	-۰/۸۷ ^{oo}	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۹۲	۰/۰۶	گروه (۴)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۱ ^{oo}	گروه (۱)	گروه (۴)	
	۰/۰۰۰	-۰/۹۳ ^{oo}	گروه (۲)	گروه (۲)	
	۰/۹۲	-۰/۰۶	گروه (۳)	گروه (۳)	

گروه ۱: دختران منطقه غیرمحروم

گروه ۲: پسران منطقه غیرمحروم

گروه ۳: دختران منطقه محروم

گروه ۴: پسران منطقه محروم

** = معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ * = معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۵

نتایج آزمون‌های تعقیبی شفه در دو زیرمقیاس دیگر تاب‌آوری در جدول ۵ نشان می‌دهد

که در زیرمقیاس تنظیم هیجان‌ات (با میانگین ۲/۸۸) و همچنین در زیرمقیاس مسئولیت‌پذیری و اعتماد (با میانگین ۳/۲۴)، دختران مناطق غیرمحروم و بهره‌مند، نمره بالاتری داشتند، به عبارت دیگر کودکان و نوجوانان مناطق بهره‌مند، نسبت به مناطق محروم، میزان مسئولیت‌پذیری و اعتماد و تنظیم هیجان‌ات بالاتری داشتند.

به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که نوجوانان (بالاخص دختران) مناطق بهره‌مند و غیرمحروم نسبت به نوجوانان مناطق محروم به طور معناداری تاب‌آوری بیشتری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

تاب‌آوری یک توانایی فطری برای رشد محسوب می‌شود که در انسان به عنوان یک ارگانیسم وجود دارد و می‌تواند در شرایط معین محیطی از قوه به فعل درآید و به‌رغم قرارگرفتن فرد در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی، تحصیلی و شغلی او ارتقاء یابد. تاب‌آوری نوعی ویژگی است که از فردی به فردی متفاوت است و می‌تواند به مرور زمان رشد کند یا کاستی یابد (زارعی، ۱۳۸۹). در حقیقت تاب‌آوری نوعی مکانیسم سازش مثبت را ایجاد می‌کند که چندین عامل فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت عنوان «عوامل محافظتی»^۱ (مدی و خوشابا، ۲۰۰۵) در تقویت و کاهش عوامل خطرزای آن مؤثر است. این عوامل الف) منابع فردی مانند ظرفیت شناختی و عزت‌نفس فرد؛ ب) منابع خانوادگی مانند همبستگی و مدیریت تعارض‌ها و ارتباط با خانواده و ج) عامل محیطی مانند حمایت اجتماعی و امنیت و ارتباطات معنادار و حمایت‌کننده و منابع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را شامل است (الدر،^۲ ۲۰۰۹).

مطابق با مفروضات نظریه توانمند محور همه انسان‌ها توانمندی‌هایی دارند که با تمرکز بر آن‌ها می‌توان انگیزه و تغییرات خلاقانه‌ای را ایجاد کرد یا از طریق یادگیری و با استفاده از برنامه‌های توانمندسازی کمبودها را جبران و میزان فعالیت افراد را افزایش داد (کوهن^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). بر این اساس افراد تاب‌آور دارای ویژگی‌هایی از جمله احساس ارزشمندی

-
1. protective factors
 2. Elder
 3. Cohn

و اعتماد به نفس (که به افراد اجازه می‌دهد چالش‌های زندگی را با موفقیت پشت سر بگذارند)، مهارت در حل مسأله (نگاه به مشکل به عنوان یک مسأله)، صلاحیت و توانمندی اجتماعی (داشتن مهارت‌های ارتباطی، شوخ طبعی، رابطه صمیمی با دیگران، حمایت و جلب حمایت اجتماعی از دیگران در وضعیت بحرانی، داشتن مهارت‌های گفتگو و جرأت‌مندی و گوش‌دادن)، خوش‌بینی، همدلی (توانایی برقراری رابطه توأم با احترام متقابل با دیگران که به پیوستگی اجتماعی و به عبارتی احساس تعلق به افراد و گروه‌ها و نهادهای اجتماعی منجر می‌شود) و ... هستند که رشد و ارتقاء آن‌ها را باعث می‌شود (خزائلی پارسا، ۱۳۸۹).

علاوه بر این عوامل محافظتی فردی، طبق تئوری بوم شناختی - اجتماعی، عوامل محافظتی محیطی و بافتی از جمله بافت ارتباطی فرد با خانواده، جامعه محلی (از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های مدرسه، سرویس‌های حمایتی - اجتماعی، دسترسی به مربیان مجرب و ...) و جامعه گسترده‌تر (از جمله فرهنگ، رسانه، شرایط اقتصادی، بهره‌مندی از امکانات و ...) همگی در قالب یک سیستم تعاملی نقش به‌سزایی در تاب‌آوری افراد دارند، همان‌طور که بارتلی^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان داد در مناطق محروم، انتظار وجود سلامت روانی و جسمانی بسیار پایین است، چون محیط فیزیکی و اجتماعی فقیر، خشن و نامالایم در مناطق محروم می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل خطرزا، تاب‌آوری فرد را تهدید کند. البته، این ارتباط نیز می‌تواند در برخی جوامع محروم دارای عاملی محافظتی چون حمایت و پذیرش یکدیگر و در کل دارای ارتباطات قوی اجتماعی بین سیستم فرد، خانواده و جامعه کمرنگ شود. این عامل محافظتی می‌تواند سبب ارتقاء تاب‌آوری افراد شود و بدین طریق بتوانند با محرومیت اقتصادی - اجتماعی خود مقابله کنند.

حال با توجه به تفاوت بافتی - محیطی (شرایط اقتصادی - اجتماعی و ...) دو گروه هدف در پژوهش حاضر، نتایج نشان داد که بین دو گروه دانش‌آموزان مناطق بهره‌مند از امکانات و مناطق محروم در کلیه ابعاد تاب‌آوری اجتماعی هیجانی از جمله همدلی، صلاحیت اجتماعی و پذیرش همسالان، تنظیم هیجان‌ها و مسئولیت‌پذیری - اعتماد تفاوت معناداری وجود دارد و گروه هدف مناطق غیرمحروم و دارای امکانات، تاب‌آوری بالاتری داشتند. این امر در سایر

1. Bartly

پژوهش‌های مشابه نیز تأیید شده است، از جمله پژوهش گارگ و راستوجی^۱ (۲۰۰۹) که نتایج نشان داد دانش‌آموزانی که هوش هیجانی و اجتماعی دارند در برابر استرس می‌توانند تاب‌آوری داشته باشند و این در مؤلفیت شخصی و حرفه‌ای - شغلی آن‌ها تأثیر زیادی دارد. نکته جالب توجه و مهم این است که با افزایش هوش هیجانی و اجتماعی و در نتیجه افزایش تاب‌آوری در برابر استرس؛ افسردگی و اضطراب کاهش و توانمندی عضلانی ماهیچه‌ای آن‌ها نیز افزایش می‌یابد که این نیز بر توانایی فکری دانش‌آموزان و نهایتاً بر رشد و تحول و سازگاری روانی فرد تأثیر مثبت می‌گذارد. سامانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی نشان دادند که تاب‌آوری بر سلامت هیجانی اثر مستقیم و در زمینه میزان رضایتمندی از زندگی اثر غیرمستقیم دارد، به عبارت دیگر تاب‌آوری با تأثیر بر نوع احساس و هیجانات فردی، نگرش مثبت و در نتیجه رضایت از زندگی در پی دارد. همچنین آنگ و همکاران (۲۰۰۶) بعد از اجرای یک کار پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هیجان مثبت در تاب‌آوری بیهوش زنان نقشی مهم دارد. بیهوشان چون هم تجربه سطح بالایی از هیجان مثبت (آرامش) و هیجان منفی (اضطراب) را دارند، نسبت به زنانی که کمتر این دو هیجان را دارند، تاب‌آوری بیشتری دارند. هیجانات مثبت، اثرات منفی رخدادهای استرس عمده (مرگ همسر) را در مقایسه با استرس‌های روزمره از بین برده و در نتیجه خودکفایی آن‌ها نیز بهبود می‌یابد.

ماستن و پاول (۲۰۰۳) نیز در تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کودکانی که از ابتدا چندین سال در مناطق محروم زندگی می‌کردند حتی بعد از انتقال به مناطق غیرمحروم باز هم، در مقایسه با سایر کودکان غیرمحروم، تاب‌آوری و سازگاری پایین‌تری داشتند، چون آن‌ها از منابع تاب‌آوری ضعیفی بهره‌مند بودند، این منابع کیفیت‌های فرزندپروری و حمایت اجتماعی از کودک، صلاحیت و توانمندی روابط بین فردی، کارکردهای تحصیلی و منابع اقتصادی و اجتماعی را شامل بود که همگی به‌عنوان متغیرهای اصلی یک سیستم، بر یکدیگر و متعاقباً بر تاب‌آوری فرد اثر می‌گذارند (مک لود^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج به دست آمده از پژوهش ناطق (۱۳۸۸) نیز بیان‌کننده این است که جوانان دارای تاب‌آوری، در خودپنداشت مثبت (۷۳٪)، تمایل به صمیمت با دیگران (۹۳٪)

1. Garg
2. Mcleod

نمرهٔ بهتری کسب کردند. در پژوهش محمدی (۱۳۸۴) نتایج نشان داد که سوء مصرف کنندگان مواد مخدر تاب‌آوری ضعیفی دارند و این امر پیامد ناتوانی در کنترل هیجانات ناخوشایند در سازگاری، چاره‌اندیشی، از دست دادن جهت درست فکری (با علم به پیامدهای منفی مصرف مواد) است. بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهشی مزبور می‌توان گفت که عوامل محافظتی مؤثر بر تاب‌آوری در یک تعامل مداوم با سیستم‌های زنده، بافت و محیط اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. وجود عوامل محافظتی از جمله ارتباط مثبت و مؤثر والدین، مریان و ... با کودک و نوجوان، سبک تربیتی خانواده، فراگیری مهارت‌های مقابلهٔ زندگی، حمایت‌های اجتماعی و ... همگی در یک بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی مناسب (که در مناطق بهره‌مند از امکانات نسبت به مناطق محروم در حد زیادی وجود دارد) می‌تواند در افزایش عزت نفس، توانایی‌های بالقوهٔ فردی از جمله توانایی برخورد صحیح در برابر مشکلات، سرسختی و در نتیجه تاب‌آوری در برابر شرایط خطرناک و ... تأثیر بسیار زیادی داشته باشد.

در پژوهش حاضر علاوه بر تفاوت دو گروه هدف در تاب‌آوری، تفاوت جنسیتی ملاحظه‌پذیری نیز در متغیر تاب‌آوری مشاهده شد، به عبارتی نتایج حاکی از این بود که میان دختران و پسران مناطق محروم و همچنین بین دختران و پسران مناطق غیرمحروم و به طور کلی بین تاب‌آوری دختران و پسران (بدون توجه به نوع منطقه) تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که دختران مناطق بهره‌مند (غیرمحروم) از تاب‌آوری بالاتری در زیرمقیاس‌های همدلی، تنظیم هیجانات و مسئولیت‌پذیری و اعتماد بهره‌مند بودند، اما در زیرمقیاس صلاحیت و پذیرش دوستان تفاوتی میان دختران و پسران مناطق محروم به دست نیامد. با وجود این، در گروه هدف مناطق محروم، دختران تاب‌آوری بیشتری نسبت به پسران به دست آوردند. برای تأیید نتیجه حاصل از پژوهش حاضر در خصوص تفاوت جنسیتی در تاب‌آوری، پژوهش کوهن و همکاران (۲۰۰۹) دربارهٔ تاب‌آوری دختران و پسران ۳ الی ۱۲ سال نشان داد که دختران در کلیهٔ زیرمقیاس‌های تست تاب‌آوری هیجانی-اجتماعی (همدلی، کفایت اجتماعی، تنظیم خلق و خو و هیجانات و مسئولیت‌پذیری) نمرهٔ بالاتری نسبت به پسران به دست آوردند. در پژوهش ماستن (۲۰۰۹) دربارهٔ تاب‌آوری و واکنش فرزندان خانواده‌های مطلقه، نتایج نشان داد که اگرچه طلاق بر رشد و تحول کودک ضربه می‌زند، ولی در این بین پسران،

در مقایسه با دختران، مشکلات رفتاری بیشتری در برابر این پدیده از خود نشان می‌دهند، چون به طور کلی دختران حمایت بیشتری از مادران مطلقه خود (به عنوان یکی از عوامل محافظت کننده) دریافت می‌کنند و کمتر از پسران با تعارضات خانوادگی مواجه می‌شوند، به این خاطر تاب‌آوری بیشتری نیز دارند. باتوجه به شواهد مزبور درخصوص برتری دختران در تاب‌آوری شاید بتوان به تفاوت در نوع تعاملات مادران با فرزندان مذکر و مؤنث (براکت^۱ و همکاران، ۲۰۰۴)، تفاوت در ساختار مغزی دختران و پسران - بزرگتر بودن ناحیه مربوط به هیجان‌ات در مغز دختران - (جاسوک^۲ و همکاران، ۲۰۰۵)، بالا بودن رفتارهایی نظیر درونی کردن هنجارهای اجتماعی، جمع‌پذیری و همدلی در دختران (که تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی و خانوادگی قرار داشته و با افزایش سن نیز بالاتر می‌رود) نسبت به پسران (فیبز و آیزنبرگ^۳، ۱۹۹۸) و ... اشاره کرد.

بنابراین، عوامل زیادی بر تاب‌آوری تأثیر دارند، ولی این‌که کدام عامل بیشتر تأثیرگذار است به تفاوت‌های فردی زیاد بین آن‌ها و همچنین به موقعیت آن‌ها بستگی دارد که در این راستا سطوح اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ نقشی مهم دارند، لذا می‌بایست برنامه‌های ایجاد و تقویت تاب‌آوری در کودکان مطابق با زمینه‌های بافتی هر منطقه (بافت خانوادگی و مدرسه و جامعه) تدوین شود (ماستن و پاول، ۲۰۰۳). جامعه نیز با توجه به نقش مهم آن در رشد و پرورش فرزندان، باید در سیاستگذاری‌ها و ساختار جامعه طوری عمل کند که بستر بروز مؤلفیتهای جوانان فراهم شود و هوشیاری و شناخت جوانان را در این زمینه (رفتارهای تاب‌آورانه) افزایش دهد (ویلکز^۴ و همکاران، ۲۰۰۶).

در اجرای پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز وجود داشته است؛ از جمله این محدودیت‌ها بررسی فقط دو استان محروم و غیرمحروم ساکن در شهر، به‌کارنگرفتن گروه هدف جامعه روستایی، لحاظ نکردن سایر متغیرهای روان‌شناختی و اجتماعی و ... در ایجاد تاب‌آوری؛ لذا برای رفع محدودیت‌های مزبور پیشنهاد می‌شود که از انواع مختلف گروه‌های

-
1. Brakett
 2. Jausovec
 3. Fabes& Eisenberg
 4. Wilks

هدف از جمله کودکان و نوجوانان روستایی (علاوه بر گروه‌های هدف شهری) در استان‌های مختلف محروم و غیرمحروم کشور استفاده شود و سایر متغیرهای روان‌شناختی - اجتماعی و ... مؤثر در ایجاد تاب‌آوری نیز بررسی شود. علاوه بر این با توجه به این‌که تاب‌آوری در کودکان، نوجوانان و جوانان در معرض آسیب (برای مصون‌سازی ایشان از آسیب‌های روانی و اجتماعی) اهمیت به‌سزایی دارد، لذا پیشنهاد می‌شود تا ابعاد مختلف تاب‌آوری را در گروه‌های آسیب دیده یا در معرض آسیب‌های اجتماعی از جمله کودکان و نوجوانان متکدی و خیابانی، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و مؤسساتی، کودکان قربانی طلاق و ... بررسی شود تا بتوان برای جلوگیری از بروز یا افزایش آسیب‌های اجتماعی از برنامه‌های مداخله‌ای و مشاوره‌ای برای ایجاد و تقویت تاب‌آوری استفاده کرد.

منابع

- حاجی‌زادگان، م؛ بیات، م؛ عسگری، ع و همکاران، (چاپ نشده). بررسی اعتباریابی و روایی سازی تست تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان، گزارش طرح تحقیقاتی چاپ نشده.
- خزائلی پارسا، ف، (۱۳۸۹). «تاب‌آوری و نقش آن در ارتقا سلامت کودکان»، *مجله ایران پاک*، ۲۹ برگرفته شده از: (<http://dcha.ir>، 1390/6/3).
- زارعی، ع، (۱۳۸۹). کودکان خیابانی - چالش‌ها و راهکارها (۲)، برگرفته شده از: (<http://rasekhoon.net/atricl/show>، 1390/5/23).
- سامانی، س؛ جوکار، ب و صحراگرد، ن، (۱۳۸۶). «تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی»، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۳)، ص ۲۹۵-۲۹۰.
- شیانی، م، (۱۳۸۴). «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۵).
- صفاری نیا، م؛ آقا یوسفی، ع و حاجی‌زادگان، م، (در دست چاپ). «همبستگی میان تاب‌آوری و اضطراب اجتماعی و مقایسه آن در دو جنس»، *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*.
- فرجی ملایی، ا؛ عظیمی، آ و زیاری، ک، (۱۳۸۹). «تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران»، *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۱ (۲)، ص ۱۶-۱.
- محمدی، م، (۱۳۸۴). «بررسی متغیرهای خانوادگی و فردی افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد»، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ناطق، ا، (۱۳۸۸). «بررسی رابطه تاب‌آوری و طی کردن موفق مراحل رشد اریکسون در جوانان و نوجوانان در معرض اعتیاد»، *کنگره جنبه‌های زیستی روانی اجتماعی اعتیاد*، دانشگاه سندج.
- Bartly, M, (2007). "Capability and resilience: Beating the odds (Area deprivation)", The UCL Department of Epidemiology and Public Health. Retrieved from: (<http://www.UCL.ac.UK>).
- Beaver, B.R, (2008). "A positive approach to children's internalizing problems", *Professional Psychology: Research and Practice*, 39(2), 129-136.
- Brakett, M. A; Mayer J. D & Warner, R. M, (2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behavior, *Personality and Individual Differences*, 36. 1387-1402 .

- Cohn,B; Merrell, K.W; Felver-Grant,J; Tom, T &Endrulat, N.R, (2009). "Strength- based assessment of school and emotional functioning: Sears- C AND Sears- A", Presented at the Meeting of the National Association of School Psychologists, Boston.Retieved from: (<http://strongkids.uoregon.edu/SEARS/Cohn2009.pdf>).
- Conner, K.M & Davidson, J.R, (2003). "Development of new resilience scale: The Conner-Davidson resilience scale", *Journal of depress anxiety*, 18 (2).
- Elder Avidan, D; Haj-Yahia, M.M &Greenbaum, C.W,(2009). "Divorce is a part of my life ... resilience, survival and vulnerability: Young adults`perception of the implication of parental divorce", *Journal of marital and family therapy*. Retieved from: (<http://www.proquest.com>).
- Fobes, R.A & Eisenberg, (1998). *Meta-analyses of age and sex differences in children's and adolescents`prosocial behavior* , Arizona State University.
- Garg , P & Rastogi ,R, (2009). "Emotional intelligence and stress resiliency: A relationship study", *International journal of educational administration*, 1(1), Retieved from: (<http://www.ripublication.com/ijea.htm>).
- Jausovec, N &Jausovec, K, (2005). Sex differences in brain activity related to general and emotional intelligence, *Brain and Cognition*, 59 .
- Loannidis,c, (2010). "Study shows women leader More resilient than men". Retieved from: (<http://www.bidiversity>).
- Masten, A.S, (2009). "Ordinary magic: Lessons from research on recilience in human development", *Education Canada*, 49(3).
- Masten, A.S & Powell, (2003). "The resiliency model.Excellent source of in-depth information on resiliency".Retieved from: (<http://resilnet.uiuc.Edu/library.html>).
- Maddi, S.R &Khoshaba, D.M. (2005). "Resilience at work", Brodway, AMA con.American management association, NY 10019.
- Mcleod, C., Heriot, S & Hunt, C, (2011)."Changing places: Resilience in children who move".Retieved from: (<http://findarticle.com>).
- Ong, A.D; Bergeman, C.S; Bisconti, T.L & Wallace, K.A, (2006). "Psychological resilience positive emotion and successful adaptation to stress in later life", *Journal of personality and school psychology*,91 (4), 730-749.
- Sindzingre, A.N, (1999). *Exclusion and Poverty in Developing Countries*.Some Issues.France : Centre National de la RecerchScientifique.
- Ungar, M, (2008). "Research note resilience across cultures", *British journal of social work*, 38, Published by Oxford university press on behalf of the association of social workers.
- Waller, M.A, (2001). "Resilience ecosystemic context: Evolution of the child", *American Journal of Orthopsychiatry*, 71 .
- Wilks, R; Yeuger, N; Mcfarlane, S; Francis, D & Van Den Broeck, J,(2006). "Community-based survey on risk and resi;ienybehaviours of 15-19 years olds", Jamaican youth risk and resiliency bahavioursyryvey. Retieved from: (<http://www.cpc.unc.edu/measure>).